

یکی از مفاهیمی که نایشنامه نویسان دهه ۱۳۶۰ در آثار خود موضوعیت بخشیدند و آن را با انتخاب فم و باورهای ایدئولوژیک خود تفسیر کردند، مفهوم انقلاب است. اما با بررسی این مفهوم در چهارده نایشنامه آن دوره، آشکار می‌شود که مفهوم انقلاب نه یک معنای بلکه واجد دلالت‌های طبقاتی، تاریخی (بائستی یا معاصر)، دینی و فراطبی تلقی می‌شود. اگرچه همزمان در آثار نعلی‌شی به کار می‌رفت، اما معانی نامهربانی داشت که تشاکر جدالی معنایی در آن برهه از تاریخ ادبیات نعلی‌شی ایران بود. بخارنده در این مقاله با بهره‌گیری از پنج اصل روش‌شناختی «نام‌شناسی و معناشناسی»، «تمایز واژه و مفهوم»، «در زمانی و بهر زمانی؛ بهر زمانی نامهربان»، «رویکرد انتقادی- تاریخی» و «بکراتی تاریخی و مفهوم» نظریه تاریخ مفهوم را به‌سبب کوزلک، معانی مفهوم انقلاب را در آن دهه از ادبیات نعلی‌شی ایران تحلیل خواهد کرد تا در باب معانی این مفهوم، در بستر تاریخی‌اش و همچنین در نسبت با دیگر تفاسیری که از آن مفهوم نزد رهبران سیاسی و روشنفکران آن دوره وجود داشت، روشنگری شود. از نتایج پژوهش این خواهد بود که جدالی معانی متعدد و متعارض مفهوم انقلاب از آغاز انقلاب اسلامی تا پایان دهه ۱۳۶۰، به صورت بهر زمانی نامهربان تا در ادبیات نعلی‌شی ایران تداوم یافت و منجر به چیرگی معنای قدیم و تجدیدستیزانه انقلاب بر معانی دیگر شد.

آماده انتشار هنرهای زیبا

موضوع این مقاله تبیین تاریخی معنای مفهوم انقلاب در قلمرو ادبیات نغلی ایران در دهه ۱۳۶۰ خورشیدی است؛ دورانی که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و بسیاری از نویسندگان این دوره و آثار آنان فراموش شده و در نتیجه از موضوعیت داشتن در مباحث جدی کنونی خارج گردیده اند. محارنه در این مقاله قصد دارد، برای فهم تاریخ و معنای مفهوم انقلاب، درباره جریانی از نایشنامه نویسی معاصر ایران روشمندی کند که توانست در درون مبارزات ایدئولوژیک آن دوره، معانی گوناگونی از مفهوم انقلاب را آشکار کند. برای این هدف، دو پرسش راهنمای نویسنده خواهد بود؛ معانی مفهوم انقلاب در نایشنامه های دهه ۱۳۶۰ چیست؛ و نایشنامه نویسان ایرانی چه تفسیری از این مفهوم در آثار خود ارائه دادند؟

بهره بردن از نظریه تاریخ مفهوم رایج است، فیلسوف تاریخ آلمانی، می تواند در این مسیر راهگشا باشد؛ زیرا کوزلک (۲۰۰۶) تأکید می کند مفهوم را باید در زمینه و زمانه تاریخی خودش فهم و تعریف کرد؛ ایستادن و حرکت کردن در چارچوب تاریخ اجازه نمی دهد که پیش فرض های غیرتاریخی، معیاری برای معنانشی تاریخی مفاهیم باشد؛ از همین رو نمی توان مفهومی چون انقلاب را با تعاریف معنایی که این مفهوم در فرانسه یا روسیه دارد، در ایران نیز معنایی کرد. اما این نکته بدین معنا نیست که معانی دیگر یک مفهوم، که در تاریخ کشور یا ملتی دیگر پدیدار شده و تحقق یافته اند بر معنای یک مفهوم نزد ما تأثیر گذاشته است؛ زیرا مفاهیم واجد فرایند دیاکتیکی هستند. بهرمان لوبه در خصوص این امر می گوید: «مفاهیم طرح واره های کنش های متمایزی هستند که ما از آنان پیروی می کنیم، وقتی متمایز می گذاریم بدین معنا است که می گوئیم - [آن امر متمایز شده] - چه چیزی هست یا نیست. مفاهیم طرح واره هایی برای کنش های متمایز هستند، چیزی شیه دستور کارهایی که برای استفاده از ابزار ارائه می شوند؛ و طرح واره ها معطوف به کنش های متناظر برای استفاده از یک ابزار به شمار می آیند» (L. bbe, 1975, 10). از تبعات این تمایزات، به وجود آمدن تضاد و تأثیرگذاری سلبی یا ایجابی طرح های متمایز بر یکدیگر است که ممکن است موجب پدیدار شدن چیزی دیگر شوند.

در پایان لازم به گفتن است که محارنه برای پرینز از هرگونه تفسیر غیرتاریخی تنها بر چهارده نایشنامه از دهه ۱۳۶۰ تمرکز کرده است که معنای مفهوم انقلاب را روشن و بدون هرگونه میان غیر مستقیمی به کار برده اند. از میان این چهارده اثر، پنج نایشنامه مربوط به سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ هستند؛ زیرا به طور مشخص معنایی از مفهوم انقلاب را آشکارا ساختند که هم مرتبط با رویداد تاریخی سال ۵۷ بودند و هم معنایی را در بستر ادبیات نغلی آن سال پدید آوردند، که پس از سال ۱۳۶۰ تداوم یافتند و پس از میان رفتن و یاد معانی دیگر انقلاب متخیل شدند.

ملاحظات روش‌شناسی تاریخ مفهوم

کوزلک در باب روش‌شناسی تاریخ مفهوم می‌گوید: «روش این دانش که نتج از حدفش است، روشی است تاریخی مفهومی» (Koselleck, 1974, XX)؛ هدف تاریخ مفهوم بررسی تاریخی تحولات معنایی مفاهیم، به‌ویژه، در دوره‌ی جدید یا تجد است. از همین رو، تاریخ مفهوم، در وهله‌ی نخست، نیازمند روشی تاریخی است که برپایه‌ی رویکردهای پیچ‌گذاشتی که در ادامه شرح داده خواهند شد، بنا شده است:

۱. نام‌شناسی و معناشناسی: دانش معناشناسی به معنای یک اصطلاح را جستجو می‌کند؛ بر زمینه‌هایی که واجد ساختارهای سیاسی و اجتماعی هستند، تمرکز می‌کند و تغییرات آن را از نظر می‌گذراند (Koselleck, 1974). اما برای دستیابی به معنای ابتدایی «نام» را در ذیل دانش نام‌شناسی تبیین کرد. این دانش که به جمع‌آوری نام‌ها و تحلیل چگونگی روند آنان می‌پردازد نشان می‌دهد که در قلیح جدید سیاسی و اجتماعی یا از نام‌های قدیم در معنایی جدید استفاده می‌شود و یا از نامی جدید تازه‌تأسیس؛ نام‌شناسی هر دو این تحولات و پیدارشدن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (Koselleck, 1974).

۲. واژه و مفهوم: کوزلک (۱۹۷۴) در مقدمه‌ی جلد نخست مفاهیم بنیادین تاریخی در زبان آلمانی نکاشت آشکارا به تمایز واژه و مفهوم اشاره کرده است. از نظر او مفهوم نقش واسطه دارد و واژه (نشانه) و مصداق به عنوان علت و غایت یک پدیده عمل می‌کنند (Koselleck, 2006). در روش تاریخ مفهوم، مفهوم حالت استعلائی واژه است؛ واژگان معنایی روشن و مشخص دارند و همواره به یک «امر معناشده» دلالت دارند. اما شرط ضروری مفهوم این است که چند معنایی و مبهم باشد. مفهوم، فراگیری دارد و برخلاف واژه «معنا» و «امر معناشده» را همزمان با یکدیگر در برمی‌گیرد (Koselleck, 1974, XXII). از همین رو است که به قول کوزلک «معنای واژه‌ها، به وسیله تعاریف، می‌توانند به طور دقیق مشخص شوند، اما مفاهیم تنها می‌توانند تفسیر شوند» (Koselleck, 1974, XXIII).

۳. در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان‌ها: اصل در زمانی، یعنی معنای معانی مفهوم را در تاریخ خطی مستند و مستدل کردن تا «تاریخ» مفهوم، به لحاظ معنایی، حیثیتی و چگونگی تحول خود را آشکار کند (Koselleck, 1974)؛ جدای از این باید توجه داشت که مفاهیم اگر چه معنا، کارکرد و مصداق آنان نسبت به گذشته‌شان و نیز با یکدیگر متفاوت است، اما حرکت متغیر آنان همزمان هم است؛ پس روی دیگر این در زمانی، همزمانی است؛ اما میان مفاهیم همزمان، می‌تواند ناهمزمانی و به عبارتی دیگر

دالالت های متفاوت و متعارض وجود داشته باشد پس شناخت معانی یک مفهوم بدین معناست که باید «اصل همزمانی ناهمزمان ها را [انیزاتسین کرد» (Koselleck, 1974, XXI).

(1974, XXI).

۴. رویکرد انتقادی- تاریخی: انتقادی بودن در این روش دلالت بر آشکار کردن ساخت ایدئولوژیک زمین، و پدیده مستقر در آن دارد؛ به طوری که نظام

ایدئولوژیک پنهان در پدیده آشکار شود (Koselleck, 2006). این رویکرد آشکار می کند که معنا، هویت خود را تنها از واژه اخذ نمی کند؛ بلکه از موقعیت یا مصداقی

که به آن دلالت دارد نیز، بهره می برد. معنا در کسره میدان اجتماعی، که به زعم کوزلک عرصه مواجهه دوگانگی بی چون من / دیگری، دوست / دشمن، انقلاب /

ضد انقلاب و... است، حاضر می شود؛ در این عرصه مفاهیم و پاد مفاهیم «یکدیگر را تعریف کنند» (Koselleck, 2006, 87) و «ویژگی متفاوت یک

مفهوم [آشکار می شود (Koselleck, 2006, 176).

۵. بکرانی تاریخ و مفهوم: از نظر کوزلک (۱۹۷۴) هر رویدادی، زمانی می تواند تبدیل به تاریخ شود که فرآیند مفهومی شدن را سپری کند. یعنی فراگیر شود،

توسط کنش گران گوناگون مورد توجه قرار گیرد، معنای گوناگونی را پدیدار سازد تا در نهایت بتوان آن را صورت بندی کرد و ویژگی های تاریخی اش را نشان داد. بکرانی

تاریخ و مفهوم بر این تاکید می کند که آنچه در تاریخ روایت می شود، روایت تاریخی مفهوم است؛ مفاهیمی که ممکن است بخشی از معنا و کارکرد گذشته خود را همچنان حفظ

کند، یا معنایی جدید را با خود حمل کنند و یا با مفهومی دیگر ترکیب شوند و تجارب و افق های جدیدی را آشکار سازند.

پیشینه پژوهش

مقاله ای که در این دهم اخیر در خصوص موضوع انقلاب در ادبیات نملشی دهم ۱۳۶۰ خورشیدی نگاشته شده است، به شرح زیر است:

۱. بهروز محمودی بختیاری و نیلوفر زارع (۱۳۹۷) در مقاله ای با عنوان «بازتاب مفهوم انقلاب ۱۳۵۷ در نمایشنامه آهسته با گل سرخ باکیه بر آرای میشل

فوکو» به تعریف مفهوم انقلاب بر اساس نظریه میشل فوکو پرداخته اند و با بررسی نمایشنامه آهسته با گل سرخ بر آن بنای نظری به این نتیجه دست یافتند که «شیوه نگرش

رادی به مفاهیم انقلاب و بازتاب آن در نمایشنامه، با نظریات فوکو و تحلیل او در مورد انقلاب، همخوانی دارد» (محمودی بختیاری و زارع، ۱۳۹۷، ۲۶) زیرا هر دو این

نویسندگان انقلاب ایران را انقلابی می دانستند که «توسط اعمال نیرو از قشر پایین جامعه به اقتدار بالا صورت می گیرد» (محمودی بختیاری و زارع، ۱۳۹۷، ۲۶).

۲. مرجان پورغلامحسین و میرمحمد رضا حیدری (۱۳۹۷) نیز در بخشی از مقاله خود با عنوان «تحلیل جریان های غالب تئاتر انقلابی در ایران با تکیه بر گفتارهای فکری، فلسفی مؤثر در سال های پیش از انقلاب» به تاثیر اندیشه های علی شریعتی، سید احمد فردید و سید حسین نصر بر نایشنامه نویسان دهه شصت می پردازند. از نظر نویسندگان معنایی چون «آرمان گرایی، برابری طلبی، مبارزه»، «تقابل با تفکر غرب» و «تقابل با مدرنیته» (پورغلامحسین و حیدری، ۱۳۹۷، ۱۰۹) که شعب از اندیشه روشنفکران و منتقدان یاد شده هستند، در آثار نعلشی نایشنامه نویسان یاد شده بازتاب یافته بودند.

بر اساس این داده ها، مشخص است که موضوع هیچ یک از مقالات یاد شده تبیین «تاریخ مفهومی» انقلاب و معنانشی آن در ادبیات نعلشی دهه ۱۳۶۰ نبوده است.

نام شناسی و معنانشی واژه انقلاب

در این بخش ابتدا در معنای واژه انقلاب تمرکز خواهد شد و سپس با آوردن نمونه هایی از کاربرد این واژه در ادب و اندیشه قدیم مشخص خواهیم کرد که تحولات معنایی این واژه در دوره قدیم چگونه بود؛ به استعلائی معنایی انقلاب از واژه به مفهوم در ادبیات نعلشی دوره قاجار اشاره های کوتاهی خواهیم داشت.

نام شناسی انقلاب در لغت نامه ها

انقلاب از ریشه قلب و بر وزن انفال است. به گزارش لغت نامه دهخدا در تاج المصنوع (قرن ششم) واژه انقلاب به معنای «واگردیدن» است؛ در فرهنگ نامه های دوره قاجار، همچون معنی الارب «برگشتن» و نزد ناظم الاطباق نیز «انهدام و شکستگی، اضطراب و بی آرامی» معنای واژه انقلاب به معنای «واگردیدن» است (۱۳۷۷، ۳۵۲۸).

بر اساس ریشه و وزن این واژه، می توان گفت که انقلاب، بر اساس لغت نامه های قدیم، دلالت بر رویدادی دارد که بر آدمی فرو می آید؛ امری است ضروری و به اختیار انسان نیست. در فرهنگ فارسی مصین نیز از این معنای قدیم این واژه یعنی «تبدیل صورتی به صورت دیگر [...] و آن همان کون و فساد است» لحاظ شده است (مصین، ۱۳۸۶، ۲۰۸-۲۰۹). اما در لغت نامه های چون لغت نامه دهخدا، معنای سیاسی و نوین انقلاب، که معادلی برای واژه لاتینی تبار Revolution است نیز آورده شده: «شورش عده ای برای واژگون کردن حکومت موجود و ایجاد حکومتی نو» (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۵۲۹).

این تغییرات نشان می‌دهند در انتقال نام انقلاب از دوره قدیم به دوره جدید، از حالت انفعالی به درآمده و حاوی سوژه‌های انسانی و فعلی شده است که رو به سوی کشودن افق‌های جدید آینده فعالیت می‌کنند. پس نام انقلاب اگرچه نامی قدیمی است، اما در دوره جدید صورت قدیمش حفظ، و محتوایش جدید می‌شود. از همین رو می‌توان گفت که واجد همزمانی دو امر نامبرمان است.

معنای واژه انقلاب در ادبیات و اندیشه قدیم

در اندیشه و ادب قدیم نیز انقلاب معنایی منفی داشت؛ برای نمونه امیر معزی (قرن پنجم) می‌گوید: «ملت پیغمبری هرگز نیابد انقطاع / دولت شانشی هرگز نیابد انقلاب» (امیر معزی، ۱۳۶۲، ۶۴)؛ و یاسوزنی سمرقندی (قرن ششم): «پادشاهی را که باشد همچو فرج وزیر / ملک او ایمن بود از انقلاب و احتلال» (سوزنی سمرقندی، ۱۳۳۸، ۲۴۴)؛ همچنین خواجه نصیرالدین طوسی (قرن هفتم) در *اخلاق ناصری* آورده است که: «چه اکثر اولاد افتخار که به ثروت مغرور باشند و از صناعات و آداب محروم مانند بعد از انقلاب روزگار در مذلت و درویشی افتند...» (طوسی، ۱۳۶۴، ۲۰۲). در نمونه‌های یادشده انقلاب به عنوان امری منفی و ضد ملت و دولت بادوام، آموختن و آگاهی از توانایی و کارکرد اجتماعی خویش، تلقی می‌شود. این معنای واژه انقلاب در زمانه ورود تجدد به ایران، یعنی در زمان فتحعلی شاه قاجار، همچنان پدیدار بود. قائم مقام فرامانی در *مکتوبات* از واژه انقلاب نیز چنین بهره برد: «شکر و سپاس منت خدای را که بار دیگر باب رحمت بر روی اهل اسلام گشود و نظر را رفت بر تاملین سید انام انداخت و ملک اسلام را از وصمت انقلاب مصون ساخت. کار ملک و دین بکام شد، تیغ حرب و کین در نیام رفت. دل‌های رم دیده رام گردید، روزگار آشفته آرام پذیرفت» (فرامانی، بی‌تا، ۸۵). انقلاب در این نامه، که به وضعیت سیاسی ایران و عثمانی اشاره می‌کند، امری است معیوب و در ضدیت با هماهنگی دولت و دین و ایجاد صلح میان دول همسایه.

از واژه به مفهوم: چند معنایی مفهوم انقلاب در تاریخ آغازین ادبیات ملی‌شی ایران

میرزا فتحعلی آخوندزاده، در *رساله مکتوبات*، انقلاب را در معنای جدید آن و با نام «روسیون» به کار می‌برد که دلالت بر شوریدن مردم بر ضد «رقتاری قانون» پادشاه دیسپوت و ظالم و «پوچ بودن عقاید مذهبی» دارد (آخوندزاده، ۱۳۹۵، ۱۵)؛ اما مؤید الممالک فکری ارشاد در *نمایشنامه سرگذشت یک روزنامه‌نگار* (۱۲۹۳)

خورشیدی) انقلاب را رویدادی که موجب «مشروطیت پادشاهی ایران» شد، تفسیر می‌کند (فکری ارشاد، ۱۳۷۹، ۷۱) که دال بر معنایی جدید از انقلاب است. در تضاد با این تفسیر، میرزاده عشتی نیز، در پایان دوره قاجار، در نایشنامه ایده آل پیر مرد و پیکانی یاسه ملبوسی مریم نیز مفهوم انقلاب حقیقی را انقلابی می‌داند که «نماید چو چشم های نین» (عشتی، ۱۳۸۶، ۲۶۵)؛ در این انقلاب تمامی خاتانی که زمانی طرفدار استبداد بودند و اکنون بنا به سود شخصی شان مشروط خواه شده اند، باید از میان بروند. موارد کوتاه یاد شده نشان می‌دهند که پیش از آثار دهه ۱۳۶۰، انقلاب در ادبیات نعلی ایران به عنوان یک «مفهوم» به وجود آمده و واجد لایه های معنایی شده بود.

در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان؛ معنانشناسی مفهوم انقلاب در ادبیات نعلی دهه ۱۳۶۰ (۱۳۵۷-۱۳۶۹)

اکنون با اتکا بر اصل «در زمانی و همزمانی؛ همزمانی ناهمزمان»، به تحلیل تاریخی معنای مفهوم انقلاب در ادبیات نعلی و میدان اجتماعی دهه ۱۳۶۰ خواهیم پرداخت. لازم به یادآوری است که بنا به مقتضیات روش شناسی بحث، در این بخش رویکرد «انتقادی-تاریخی» و «بکرائی تاریخی» و مفهوم «در بررسی و تحلیل داده های زیر نیز به کار خواهند رفت.

معنای مفهوم «انقلاب» در آستانه زخداد انقلاب اسلامی ۱۳۵۷

آیت الله خمینی در سال ۱۳۴۳ در تحریرالوسیله، مفهوم انقلاب را در چارچوب فقه و در معنای قدیم آن به کار برده است: «[...] اگر زید اقرار کند که آنچه در دستش است مال عمرو بوده و به ناقلی به او منتقل شده است، دعوی، انقلاب پیدا می‌کند و زید مدعی می‌شود و قول، قول عمرو است با قسمش» (خمینی، ۱۳۹۲، ۴۶۱). در این اثر انقلاب به معنای بازگشت به جایگاه نخست و اعاده حق تملک تعریف شده است. بر بنای این معنای قدیم از انقلاب، آیت الله خمینی، در پاییز سال ۱۳۵۷، در مصاحبه ای که با روزنامه لوس آنجلس تاینر داشت، هدف سیاسی انقلاب را چنین بیان می‌کند: «شکل حکومت ما، جمهوری اسلامی است. جمهوری به معنای اینکه مکتبی بر آرای اکثریت است و اسلامی برای اینکه مکتبی به قانون اسلام است» (خمینی، ۱۳۸۹ الف، ۱۸۱).

در همان سال، صادق باطنی در نایشنامه وکله کشته نشان و خنده ناهمزمانی معنای مفهوم انقلاب است. او در این نایشنامه روایت گر روشنگری فراری است که در روستایی بی آب، پناه می‌گیرد و می‌کوشد مردم روستایی را از قانون حقیقی، یعنی عدالت به معنای نابود کردن ظلم، آگاه کند: «هر کس قانون خودش دارد. آنها با قانون

خودشون ما را میچاپن [...] ما هم قانونی داریم. عدالت. و عدالت باید ظلم را نابود کند» (ملتی، ۱۳۵۷، ۲۷). نزد ملتی برای تحقق عدالت باید بر علیه دولت «مسلح» شد (ملتی، ۱۳۵۷، ۳۷). مفهوم انقلاب دلالت بر کنش مسلحانه بر ضد آن دولتی دارد که موجب بی عدالتی و نابرابری شده است؛ در این امر باید شهرو روستا، روشنفکر مسلح و رعیت، متحد شوند و بر علیه پاد مفهوم انقلاب، یعنی ظلم، قیام کنند تا عدالت تحقیقی تحقق یابد. در همان سال، معنای انقلاب در وکد رشته درگست از قدیم آشکار می شود و در تضاد با معنای انقلاب نزد آیت الله خمینی، که در پیوستگی با قدیم اسلامی است، قرار می گیرد.

به لحاظ تاریخ اجتماعی، در پاییز و زمستان ۱۳۵۷ «در حالی که رهبری انقلاب در دست روحانیون تحکیم و تثبیت می شد» و دانشجویان و دانش آموزان نیز با حضور موثر درگیری های خیابانی «انقلاب را پیش می رانند» (متین، ۱۳۹۸، ۴۰۱)، انقلاب به معنای شورش های ثنوت آمیز به جهت سقوط دولت و سرانجام نظام پادشاهی تثبیت می شد. اصل ثنوت به عنوان یکی از عناصر بنیادین کنش انقلابی، در نایشنامه دینی- انقلابی محمود استاد محمد (۱۳۹۶) نیز پدیدار می شود. او با الهام به سوره کهف قرآن در نایشنامه دقیانوس امپراتور شهرافسوس روایت گر برتری کیلتا پرستی و عدالت خواهی بر ضد امپراتور چند خدا و ظالم است. انقلاب در این اثر در عمل و فکر شخصیت با زتاب می یابد؛ چنان که زنی عامی به نام «درش» می گوید: «ای خدایی که کیلتایی و بی همتایی [...] بخواه تا کیلتا پرستان بی لشکر در مصاف با لشکر کفر، بنیان ظلم ظالمان دقیانوسی را با خاک یکسان کنند» (استاد محمد، ۱۳۹۶، ۳۳). انقلابیون خواهان آن اند که با «آگاه کردن» و «مسلح کردن مردم» برای مبارزه با دقیانوس قیام کنند (استاد محمد، ۱۳۹۶، ۵۵). از نظر استاد محمد انقلاب به معنای غلبه کیلتا پرستی و اراده و عده داده شده در قرآن بر ضد پاد مفهوم بی نام حاکم مشرک است و هدف آن برقراری قرآن و اسلام است. بر همین بنای می توان گفت که معنای مفهوم انقلاب نزد استاد محمد در بهرمانی و نزدیک به معنای انقلاب نزد آیت الله خمینی است و در بهرمانی با معنای انقلاب نزد ملتی.

۲.۶. معنای مفهوم «انقلاب» پس از رخداد انقلاب اسلامی ۱۳۵۸-۱۳۵۹

در سال ۱۳۵۸ با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته می شود؛ در اصل اول آن «انقلاب اسلامی» مظهر اعتقاد دیرینه ملت ایران «به حکومت حق و عدل قرآن» تعریف شده است (مجموعه قانون اساسی...، ۱۳۹۵، ۴۰). در این سند، انقلاب علی است از برای

تأسیس امری قدیم و برآمده از قرآن؛ پس انقلاب بنا به آن حکومت حق و عدل قرآنی، امری مقدس به شمار می آید. اما در همان سال، فرامرز طالبی (۱۳۵۸) در اثری به نام «نمایشنامه های انقلاب» روایت کر تعریفی از انقلاب می شود که در ناهمبازی با سند یاد شده و مبتنی بر ستیز مارکسیستی با امپریالیسم است. او روایت کر موضوعات زیر است: «ملوساواک به چریکی که هدفش «آزادی خلق» بود (طالبی، ۱۳۵۸، ۳۳)، فعالیت انقلابیون «ضد شاه» و «امپریالیسم» (طالبی، ۱۳۵۸، ۳۷) «شورش کارگر» علیه رئیس کارخانه (طالبی، ۱۳۵۸، ۵۰)، ضدیت با کمونیست ها و «مارکسیست های اسلامی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۶۴)، تظاهرات مردم در دفاع از «آیت الله خمینی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۷۷)، دفاع از مارکسیست های طرفدار «خسرو گل سرخی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۲۹)، دفاع از نیروهای انقلابی و «مترقی» بر ضد «ساواکی ها» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۳۵)، دفاع از «معمود رجوی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۴۰) و «تأسیس ارتش خلقی» (طالبی، ۱۳۵۸، ۱۵۲). انقلاب در این نمایشنامه با توجه به مضامینی چون ستیز با امپریالیسم، مترقی بودن، توده، خلق و چریک علی به جهت برقراری آرمان های مارکسیستی است؛ و مهمترین هدفش نابودی پاد مفهوم انقلاب، یعنی امپریالیسم (حکومت پادشاهی و آمریکا) است.

در تضاد با این تعریف مارکسیستی از مفهوم انقلاب، عباس فرخجش (۱۳۵۸) در نمایشنامه حر بر این تاکید می ورزد که انسان به آزادی می رسد اگر تفسیری انقلابی از خویش داشته باشد؛ بدین معنا که «تمامی خصلت های اجتماعی و طبقاتی و خانوادگی و حتی موروثی خویش» را نفی کند (فرخجش، ۱۳۵۸، ۹) و با چیرگی بر حدود ملیت و ملت خویش، به سوی به حرکت درآوردن «امت اسلامی» رود (فرخجش، ۱۳۵۸، ۴۵). بر این مبنا، حرکت بزو جنگجویان بزرگ سپاه نرید بود، به یاران امام حسین، که معتقد بود «جامعه ای که ستم کند و سودجویانش بهره کشی نماید، محکوم به زوال است» (فرخجش، ۱۳۵۸، ۱۰۹)، می پیوندد. فرخجش همچون علی شریعتی، امام حسین را «وارث آدم» می داند؛ زیرا «وارث حسین [...] وراثت تمامی انقلاب های تاریخ انسان است» (شریعتی، ۱۳۹۴، ۲۸)؛ پس لازم است که کنش انقلابی بر هر باور غیر شیعه که «ارمنانش تبعیض و ظلم و محرومیت و رنج و عبودیت و بردگی نسلماست» (فرخجش، ۱۳۵۸، ۶۸) چیره شود. در حر، انقلاب با واقع گرایی پیوند دارد؛ زمانمندی این مفهوم برخلاف نمایشنامه طالبی، جدید و گسسته از قدیم نیست، بلکه در همبازی با امری قدیم و اعمال انقلابی در صدر اسلام و تاریخ شیع است.

رجب محمدین (۱۳۵۹) در جدالی وکیمر (۱۳۵۹) انقلاب را به عنوان شورش ضروری رعیت به جهت از میان بردن ارباب سنگتر، تعریف می کند؛ او سرگذشت مردی به نام «بندو» را روایت می کند که به دلیل ناسازگاری با حاکم و کشتن سرکرده سپاه، به زندان افتاده است؛ مقامات دربار نیز حاکم را قادر مطلق می دانند

که «از پنجره کاشش مارا می‌نگرد و خورشید را می‌برد و شب را می‌آورد» (محدین، ۱۳۵۹، ع)؛ در چنین وضعیتی شورش کردن رعیت بر ضد ارباب قادر مطلق ضروری است؛ پس انقلاب تنها به معنای برانداختن پادشاهی به نام ستمگر نیست، بلکه بنده کردن حاکم در برابر قادر مطلق حقیقی نیز است.^۲

در این دوره قلمرو معنای انقلاب در حال گسترش یافتن است؛ زیرا انقلاب نه تنها دلالت بر عدالت اجتماعی، بطلان اسلام و قوانین قرآن و سنجش با امپریالیسم جهانی دارد، بلکه به معنای سیطره قلمرو قادر مطلق بر انسان نیز است. به لحاظ زمانی، بسط شدن نیروی انقلاب، از نظر نظامی و سیاسی، در قانون مصوبه مجلس شورای اسلامی موسوم به «قانون ادغام سازمان بسیج ملی (مستضعفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» هم مشاهده می‌شود (قانون ادغام سازمان بسیج ملی...، ۱۳۵۹)؛ هدف این قانون آن بود که سازمان بسیج جزوی از سازمانی که دارای می‌شوند «انقلاب اسلامی» است شود تا نیروی محافظت‌کننده و تعینات انسانی-مادی مفهوم انقلاب، گسترش یابد (rc.majlis.ir, 1404).^۴

معنای مفهوم «انقلاب» در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۹

در تداوم این گسترش، محسن مخملباف (۱۳۶۰) در نمایشنامه شش‌شنبه قدس و پنجشنبه پارس از فرمان مشروطه را بازتابی می‌کند؛ او با تأکید بر دفاع حمایت محمد علی شاه و روس‌ها از شیخ فضل‌الله نوری، که آخرین سکر مقاومت بر ضد مشروطه‌خواهانی چون سید حسن تقی‌زاده - که بنا به ادعای نویسنده مورد حمایت انگلستان بود، نشان می‌دهد که تحقیق انقلاب چیزی جز حکومت قانون اسلام و «تفاوت علما بر قوانین» نباید باشد (مخملباف، ۱۳۶۰، ۷۰). جز این، هر قانونی یا قانونی است غربی و یا استبدادی؛ این پادشاهیم در گفتار ستارخان چنین نمایان می‌شوند که «مشروطه [به عنوان پدیده‌ای غربی] همان استبداد» است (مخملباف، ۱۳۶۰، ۱۱۲). از همین روستا می‌توان گفت که مفهوم انقلاب در این اثر دلالت بر علل روحانیونی دارد که خواستار برقراری حکومت مشروطه و قوانین اسلامی بودند.^۵

در همین سال، که از نظر بنی صدر سال «مرک آزادی‌ها و بازسازی استبداد» (بنی صدر، ۱۳۶۰، ۲۴) بود، انقلاب واقعی به معنای ایجاد و استقرار یک «ایدئولوژی جدید» به جای «ایدئولوژی و میان عمومی می‌شین» تعریف می‌شود که هدف آن باید همراهی با «ضرورت‌های رشد جامعه و انسان در جامعه» به جهت از میان

برون «اسطوره» شدن رهبران و بدست آوردن «آزادی ایران و رشد مردم» باشد (بنی صدر، ۱۳۶۰، ۱۹۶)؛ در واقع معنای انقلاب برای بنی صدر، در ناهمبازی با معنا انقلاب نزد مختلفان، مبتنی است بر اسطوره‌زدایی از فرد و دادن شأن اسطوره‌ای به مفهومی به نام مردم مسلمان.

کسترش‌زدانی و همبازی ناهمبازان معنای انقلاب اسلامی در نایشنامه آسیابان نوشته مهدی مدرسی یزدی آشکار است. نویسنده با «درونگو» نامیدن «تاریخ» ادعا می‌کند که «آسیابان یزدکرد را به خاطر ثروت» نکشت و «استقلال ایران با مرک شاه» از میان نرفت، بلکه تاریخ، «رنج و ستمدگی آسیابان» را نادیده انگاشت (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۰۲). در روایت او جامعه‌دوره یزدکرد سوم، مبتنی بر نظام ارباب-رعیتی، موجب شده بود که «برابری» محقق نشود. نویسنده با تبلیغ ایده «برابری» پیامبر سلام (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۰۸)، از زبان شاکرد نانوا وعده می‌دهد که «مردم ما حاشان را از حساب حکومت ما و شاهانشان جدا کرده اند [...] این پابرخنه‌های پناه آورده به اسلام و خدای یگانه هستند که پیروز می‌شوند» (مدرسی یزدی، ۱۳۶۱، ۱۳۵-۱۳۶). در این نایشنامه، آسیابان به دلیل اسلام آوردن و میل به تحقق برابری است که یزدکرد سوم را به قتل می‌رساند و راه ورود نیروی غیر ایرانی به ایران را چنان هموار می‌کند تا انقلابی اسلامی بر ضد زرتشتیت و پادشاهی در کشور رخ دهد؛ در این معنا، انقلاب یعنی تقدم دین و ایده برابری بر کشور و اختلاف طبقاتی. از همین رو انقلاب در همبازی با امر قدیم و حقیقی‌ای چون اسلام و در ناهمبازی و تضاد با سنت‌های غیر اسلامی و حذف‌کننده بخش‌های غیر شیعی ایران و ایرانی قرار می‌گیرد.

یکی از دو نمایه‌های این اثر، کسترش یافتن انقلاب و فرامی‌بودن آن است؛ جلال‌الدین فارسی نیز در سال ۱۳۶۱ معتقد بود که «انقلاب ما [...] نه مبینی بلکه اترنایسویلیتی است» و «امت اسلامی» را در بر خواهد گرفت (فارسی، ۱۳۶۱، ۱۱)؛ اما احسان طبری می‌پنداشت که «انقلاب ایران» نه اسلامی بلکه جزو «بخش‌های ربانی بخش ملی خلق‌های جهان سوم» است و آن را باید «خدا مپریلیتی» و سراسر «نون» فحمید (طبری، ۱۳۸۶، ۲۷۲-۲۷۳)؛ این تعریف از انقلاب دلالت بر کسوت از قدیم به اسلام و چه مشروطه دارد. زمانمندی مفهوم انقلاب در اندیشه مدرسی یزدی و طبری بر کسوت از قدیم تعریف می‌شد، اما محتوای قدیم نزد آنان متفاوت بود. نزد مدرسی یزدی قدیم حقیقی بر قدیم غیر اسلامی چیره می‌شود، اما نزد طبری قدیم سراسر باطل و نادرست‌طبعاتی است، پس یکسره باید از میان برود و امری جدید بر آن سطره یابد؛ بر همین اساس آشکار است که معنای مفهوم انقلاب میان دو نویسنده یاد شده اگرچه همباز هستند اما به لحاظ معنایی دچار ناهمبازی اند؛ انقلاب نزدیکی رو به سوی گذشته اسلامی و کسوت از ایران باستان و نزد دیگر فقط رو به سوی آینده است.

گست انقلاب از قدیم غیر اسلامی (ایران باستان)، در ترازوی کسری مجید جعفری، که در سال ۱۳۶۲ نگاشته شده بود، تداوم می‌یابد؛ از نظر او دلیل آمدن محمد (ص) به ایران و عدم مقاومت ارتشیان خسرو پرویز در برابر پیامبر، این بود که «مرد عرب» وعده داده بود که «ستم هرگز پایداری نماند و ستمگر بر جای، [...] اتفاقی میان مردمان نیست» (جعفری، ۱۳۶۴، ۴۲). انقلاب به معنای اراده‌ای است معطوف به تحقق ایده‌ی برابری که دین اسلام نویدش را داده بود. از همین رو است که مردم شاه را تنها می‌گذارند و به «انقلاب محمد (ص)» می‌پیوندند (جعفری، ۱۳۶۴، ۴۴). همزمان با این معنا از انقلاب احضای حزب توده نیز محاکمه می‌شدند؛ «دو واقع جدال همزمان میان دو معنای ناهمزمان از انقلاب آشکارتر از پیش شده بود و روایت «انقلاب-گست» احسان طبری در برابر روایت «انقلاب-گست» مدرسی یزدی و جعفری- که گست از ایران باستان و هر امر غیر اسلامی بود- شکست خورد.

به لحاظ زمانی، معنای مفهوم انقلاب در نایشنامه درمندان نوشته شوق امیرنفر واجد لایه‌های دیگری می‌شود؛ از نظر امیرنفر انقلاب دلالت بر «وجدان بشری» و ضدیت با «حیل‌گری سیاسیون و امنیتی‌ها» دارد (امیرنفر، ۱۳۶۴، ۲۵۸). او در این نایشنامه روایت کر عذاب جهانی و وجدانی پدری است که کرچه کوشیده بود بر دتش «بیرق فرهنک، آگاهی و هشدار» به مانند «درفش کابونی» باشد تا «کاخ‌های دروغ را با خاک یکسان» کند (امیرنفر، ۱۳۶۴، ۲۵۷)؛ اما به دلیل وعده‌های فرهمنده دولت و ساواک، پسر انقلابی‌اش را به آنان تحویل داد تا «ارشاد و هدایت» شود (امیرنفر، ۱۳۶۴، ۲۵۷). او که پسرش توسط نیروهای امنیتی کشته می‌شود، انقلاب را راهی برای زدودن فقر و حیل‌سیاسیون و امنیتی‌های داند. در این اثر، انقلاب به جهت رهایی از معذب بودن وجدان افرادی است که فریب سیاسیون را خورده بودند؛ هدف انقلاب آن است که نه تنها عدالت و آزادی را در جامعه تحقق بخشد، بلکه عذاب وجدان که امری دنیوی و فردی است را نیز از میان بردارد؛ پس انقلاب دلالت بر همزمانی و درگونی جهان دنیوی و بیرونی شخص دارد.

این امر در اندیشه معود رجوی نیز قابل مشاهده است؛ او با تسلیش از «دکتر علی شریعتی»، معتقد بود که «قدرت عقیدتی و علو روحی و خصایص اخلاقی» در «چارچوب سازمان و تشکیلات، به قدرت عمل انقلابی و توانایی آتش منجر می‌شود» (طهارات رادویو «مجاهد»...، ۱۳۶۴، ۴). «دو واقع عمل انقلابی زمانی اهمیت می‌یابد که فرد و سازمان- یا دون و بیرون- یکنه شوند تا بتوانند هر آن نیروی گست افکن میان دون و بیرون را، از جمله سیاسیون ناعادل و یا «ارتجاعیون» متضاد با مدارک گست اسلامی را از بین ببرند» (طهارات رادویو «مجاهد»...، ۱۳۶۴، ۵).

همزمانی یاد شده در سال ۱۳۶۵ و در نمایشنامه آهسته آهسته بگل سرخ اکبر رادی (۱۳۸۸) نیز مشاهده می شود. در این اثر جلال از روستایی در گیلان برای تحصیل در دانشگاه به تهران آمده است و نزد خانواده عمومی سرمایه دارش زندگی می کند؛ او با مشاهده تضاد طبقاتی و سرمایه داری برآمده از دزدی و غصب اموال دیگران، دچار تحولات درونی شده و همزمان با تظاهرات مردم انقلابی در تهران، در تضاد با افکار غرب زده و منافع خانواده عمویش قرار می گیرد؛ پس از این آگاهی است که در میان مردم انقلابی حاضر می شود و «تولود یافتن یک سربازی گل» سرخی می گذارد (رادی، ۱۳۸۸، ۳۱۹)؛ در نمایشنامه رادی انقلاب، در معنایی سوسیالیستی و برابرپادمانه پیش یعنی سرمایه داری، غرب زدگی، فاشیسم، تضاد طبقاتی قرار می گیرد و به طور کل به عنوان کنشی سلبی تعریف می شود؛ یکی از اهداف این کنش - برخلاف وحدت فرد و سازمان نزد رجوی - بازگرداندن و یادآوری زیبایی برآمده از طبیعت بکر روستایی است که مناسبات جدید شهری در آن حاکم نشده است. جلال به عنوان قربان نمایشنامه و فردی انقلابی در آخرین جلاتش در این نمایشنامه می گوید: «زیبایی... مثل گل سرخ، مثل بوی نانج و یک های شته بایه ملودی آبی، یا... بخار نوری که توی تاریکی آهسته وامی شه» (رادی، ۱۳۸۸، ۳۶۹).

بومی گرایی رادی و میل بازگشت قربان شهید شونده او به خاستگاه طبیعی اش، همزمان در دوره ای رخ می دهد که از نظر آیت الله منتظری مسیر طبیعی انقلاب توسط «اپورتونیست ها و فرصت طلب ها» منحرف شده و «کودتایی ترزده» در حال رخ دادن بود؛ زیرا «بچه های انقلابی» کنار گذاشته شده و آنان که پیش تر «انقلاب را مسخره می کردند»، صاحب قدرت شده بودند (منتظری، ۱۳۷۹، ۵۳۵).

سالی پس از آن، نصرالله قادری (۱۳۶۶) در نمایشنامه وقت بچه ها، عوامل منحرف کننده انقلاب را از نیروهای از درون انقلاب بلکه نیروهای به جا مانده از نایب بیرون انقلاب می داند. از نظر قادری انقلاب رویدادی منحصر به سال ۱۳۵۷ نیست، بلکه باید تداوم یابد تا سرانجام نیروهای ضد انقلاب، پاکسازی شوند. در این نمایشنامه جوانی عکاس با دو مردی که «طاغوتی» و «ضد انقلاب» هستند (قادری، ۱۳۶۶، ۷)، دیدار می کند تا با ارباب عکس ها و اطلاعاتی از جبهه های جنگ میان ایران و عراق، بتواند از حمایت مالی آن دو مرد و کمک به جت «اخذ ویزای آمریکا» (قادری، ۱۳۶۶، ۱۵) برخوردار شود؛ اما سرانجام در این تصمیم مرد می شود و مکان و تملکات نیروهای ضد انقلابی را برای نیروهای انتظامی اقامت می کند. از نظر نویسنده وقتی انقلاب اسلامی در خطر است، لازم است که نیروهای انقلابی به پنهان برتداوم

انقلاب اصرار ورزند تا پاکسازی به طور کامل انجام شود. در این اثر مفهوم انقلاب، دارای پادمانهایی چون عراق بعشی، آمریکا و طاغوت است. این نشان می‌دهد که انقلاب ناب زمانی رخ می‌دهد که منافع و نیروهای دشمن یک سر از میان بروند.

به لحاظ بهرمانی بید اشاره کرد که در این سال مهدی بازگان اعلام کرد، اینکه هدف انقلاب «دفاع از مستضعین و دشمنی با مستکبرین» شدن ناشی از تعلق اسلام و مارکسیسم بود (بازگان، ۱۳۹۱، ۳۸۶)؛ از نظر رئیس دولت موقت، از سال ۱۳۵۷ انحرافی در معنای واقعی انقلاب، «که ارمغان غرب» بود و هدفی جز «پیشرفت و ترقی ملت» نداشت (بازگان، ۱۳۹۱، ۳۹۰)، به وجود آمده است. این قیاس نشان می‌دهد که در این سال دو تعریف ناهمزمان از مفهومی بهرمان، که یکی رو به سوی ستیز با آمریکا و با ایرانیان ناباور به انقلاب دارد و دیگری رو به سوی تقد اسلام گرایی و مارکسیسم، در میدان اجتماعی ایران در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند.

یک سال پس از نایشنامه یاد شده، هواس پلوک (۱۳۶۷)، برخلاف قادری و به مانند نایشنامه نویسانی چون حسین مختاری و محسن مخملباف، مفهوم انقلاب را در تاریخ معاصر و رویدادهای سیاسی حوالی تأسیس مشروطه موضوع اثر خود قرار می‌دهد؛ با این تفاوت که مکان انقلاب و کنش‌های انقلابی نه در تهران و یا روستایی نامعلوم بلکه در کرمانشاه است. و خدا را در روایت کر تسط «قبول انگهستان» بر مردم کرمانشاه است؛ قبول مردم را با پول می‌فرسید تا به کار کشت خشکاش پیر داند تا بتواند تریاک به دست آمده را به همان مردم بفروشد؛ و آنان را معتاد و وابسته به قشوق کردی انگهستان کند. در این میان مردی به نام «تظام» که از قداده‌بندان شهر است و به قرآن و آیین امام حسین پابند، مردم را ترغیب می‌کند تا بر ضد دولت ایران و قبول خانه انگهستان قیام کنند. تظام که باور دارد «کتابان قرآن / مجسمان ایران / زنده باد قرآن / پاینده ایرانان» (پلوک، ۱۳۶۷، ۱۱)، انقلاب را به معنای قیام مردم تحت سلطه و باور مند به قرآن بر ضد پاد مفهوم انقلاب، یعنی نیروهای استوارگر داخلی و خارجی، تعریف می‌کند. هدف انقلاب مسلط کردن آیین و دین اسلام است و نیروهای آن، نه روشنفکران و روحانیون بلکه مردم عادی و مذهبی هستند. انقلاب در نظر پلوک از تمامی رویکردهای نخبگانی‌تری است و باید در بهرمانی با امری قدیم و متعالی به نام قرآن و اسلام باشد.

باور بر پیوستگی میان انقلاب با امر متعالی در نامه آیت الله خمینی (۱۳۸۹ ب) به علای حوزه علیه که مشهور به مشور روحانیت است نیز نمود می‌یابد؛ با این تفاوت که در این نامه بروحدت میان روحانیت مدرس و «طرفدار اسلام ناب و انقلاب» با «طلاب عزیز انقلابی و زحمت کشیده و کنگ خورده و جبهه رفته» تاکید می‌شود تا «ابر قدرت و نوکران» بتوانند «مسائل را به نفع خود خاتمه» دهند (خمینی، ۱۳۸۹ ب، ۲۸۸). در واقع بنا به نظر رهبر انقلاب، اهمیت پیوستگی میان روحانیت با

انقلاب بیش از تفسیر افرادی چون پلوتوک در باب پیوستگی انقلاب با مردم در دوره مشروط بود؛ البته این اهمیت تنها محدود به موارد یاد شده نبود، بلکه در نامه انحلال حزب جمهوری در سال ۱۳۶۶ نیز، معنای انقلاب با وحدت و عدم وجود تضاد و مخالفت میان نیروهای حاکم، قرابت یافت (رضوانی، ۱۳۹۶).^۸

در تاریخ سیاسی این دوره، پس از اینکه در سال خردادماه ۱۳۶۷ هیئت پارلمانی انجمن با هدف «بهبود روابط میان انجمن و ایران» (نوزانی، ۱۳۸۱، ۴۶۴) عازم ایران شد و رهبر انقلاب نیز در بیست و نهم تیرماه همان سال، قطعنامه ۵۹۸ را به نشانه پایان جنگ ایران و عراق پذیرفت و در نامه ای «خطاب به ملت ایران» انقلاب اسلامی را امری ناتمام معرفی کرد که می‌بایست با «مبارزه علمی و علی» وفق آن را عینیت بخشید (نوزانی، ۱۳۸۱، ۴۶۹) علیرضا درویش نژاد (۱۳۸۶) در نایشنامه نذر آخر انقلاب را علی ضروری تلقی کرد که باید موجب براندازی استعاری دولتی و انحلال آن شود. در نگاه این نایشنامه نویس رضا شاه توافقی با انجمن نداشت؛ زیرا نماینده حکومت در ترکمن صحرا می‌خواست اسبی را که مورد توجه یکی از فرماندهان ارتش بریتانیا قرار گرفته بود، «به زور» از دارنده آن بگیرد. از همین رو مردم ترکمن صحرا نیز بر ضد نماینده حکومت قیام می‌کنند و او را از میان می‌برند. کنش انقلابی مردم معطوف به حفظ وضعیت طبیعی و مناسبات درون قومی خود است و موجب پدید آمدن هیچ امر نوینی نمی‌شود؛ انقلاب با اتکا به ارزش‌های بومی مردم تعریف و وضعیت قدیم بر جدید چیره می‌شود.

آن وفق انقلاب که پیش‌تر به آن اشاره شد پس از فوت آیت‌الله خمینی و در نخستین دیدار دومین رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای با نخست‌وزیر سوریه (۱۳۶۸/۴/۱۵) چنین آشکار می‌شود؛ رهبر جدید انقلاب با تاکید بر اینکه «آرمان‌های آن بزرگوار [آیت‌الله خمینی] همان آرمان‌های انقلاب است»، آن آینده را، به عنوان «مقابله قاطعانه با رژیم غاصب و صهیونیستی اسرائیل» - به عنوان پاد مفهوم انقلاب اسلامی - طرح اندازی می‌کند (دیدار نخست وزیر سوریه با...، ۱۳۶۸).^۹

در این دوران جدید که وفق انقلاب، بیش‌الینیش مشخص شده است، نورالله حسین خانی (۱۳۶۹) - که از طرفداران فداییان اسلام، هیئت مؤلفه و عضو حزب جمهوری اسلامی بود - نایشنامه ای به نام خرد و نوین می‌نویسد و انقلاب را به معنای تداوم راه امام حسین تعریف می‌کند که باید مخبر پیچگی روحانیت و مذهب بر تمامی امور زندگی شود. از نظر نویسنده برای رسیدن به این هدف والا نبرد مسلحانه جایز و مقدس است. نویسنده روایت‌گر قیام مردم در دفاع از آیت‌الله خمینی و بر ضد شاه است. همچنین در این نایشنامه تمامی مفاهیمی چون «تمدن جدید» و «بیشرفت» (حسین خانی، ۱۳۶۹، ۱۵۷) پاد مفهوم اسلام معرفی می‌شوند که باید بر علیه آنان

شوریده. در واقع، انقلاب در این سال پیاپی دهم ۱۳۶۰، به معنای کنشی در ناهمبازی با امر جدید تعریف می‌شود که هدفش استقرار همبازی با امر قدیم اسلامی بر ناهمبازی با امر جدید است.

نتیجه

پیش از نگارش نتیجه‌گیری بایدآوری دو پرسش این مقاله، یعنی معنای مفهوم انقلاب در نایشنامه‌های دهه ۱۳۶۰ چیست؛ و نایشنامه نویسان ایرانی چه تفسیری را از این مفهوم در آثار خود ارائه کردند؟، جدولی که نمایان‌گر پاسخ به این پرسش‌هاست، ارائه خواهد شد.

ردیف	نایشنامه نویس	نایشنامه	سال	پاد مفهوم انقلاب	معنای انقلاب
۱	صادق باقعی	ولد کشته	۱۳۵۷	دولت، بی عدالتی	اتحاد روشنگر و رعیت مسلح بر ضد دولت
۲	محمود استاد محمد	دقیانوس امپراتور شهر افسوس	۱۳۵۷	حاکم خود خدا انگاری	کنش مسلحانه با هدف برقراری قوانین قرآن و اسلام
۳	فرامرز طالبی	نایشنامه‌های انقلاب	۱۳۵۸	تظام پادشاهی و آمریکا	کنش مسلحانه برای ستیز با امپریالیسم
۴	عباس فرخنجش	حر	۱۳۵۸	تعلقات دنیوی و غیر شیعیان	کنشی اعتقادی برای تداوم انقلابات صدر اسلام
۵	رجب محمدین	جدالی دیگر	۱۳۵۹	ارباب، حاکم خود خدا انگار	شورش رعیت بر ضد ارباب گستر و خود خدا انگار

۶	محسن مخلاف	شیخ شهید	۱۳۶۰	غرب، استبداد، مشروط	کنش حقیقت طلبانه روحانیون برای برقراری حکومت مشروطه
۷	مهدی مدرس یزدی	آسیابان	۱۳۶۱	ایران باستان، حکومت پادشاهی، نظام ارباب-رعیتی، ادیان غیراسلام	تقدم بخشیدن به دین و ایده برابری بر کشور و نابودی پادشاهی و اختلاف طبقاتی
۸	محمد جعفری	تراژدی کسری	۱۳۶۲	ایران باستان، حکومت پادشاهی، دین زرتشت	تحقق ایده برابری وعده داده شده در اسلام
۹	میشاق امیر فخر	درومندان	۱۳۶۴	دولت و ساواک	کنشی برای رهایی از مغرب بودن وجدان و برقراری عدالت و آزادی
۱۰	اکبر رادی	آهسته با گل سرخ	۱۳۶۵	سرمایه داری، غرب زدگی و حکومت پادشاهی	کنشی سلبی برای از میان بردن سرمایه- داری، غرب زدگی و فاشیسم
۱۱	نصرالله قادری	وقت چپاچ	۱۳۶۶	پادشاهی خوانان، عراق بعثی و آمریکا	کنشی مداوم برای از میان بردن مخالفان داخلی و خارجی
۱۲	هواس پلوک	دخداران	۱۳۶۷	دولت، ارباب، انگلیس	ضدیت عوام با نیروهای استعمارگر برای مسلط کردن آیین اسلام
۱۳	علیرضا درویش نژاد	نار آغز	۱۳۶۸	حکومت پادشاهی، تجدخواهی، انگلیس	کنش مردمی و بوکریانه بر ضد دولت تجدخواه و غریبان

۱۴	نورالله حسین خانی	خرداد خونین	۱۳۶۹	حکومت پادشاهی، تمدن جدید و پیشرفت	تداوم راه امام حسین برای چیرگی روحانیت و مذهب بر امور زندگی
----	-------------------	-------------	------	-----------------------------------	---

بر اساس بخش «معنای انقلاب» در جدول بالا و به لحاظ زمانی، معنانشی تاریخی مفهوم انقلاب در نایشامه های منتی به پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷) با دلالت بر اتحاد مسلمانان و روشنفکران و روستاییان بر ضد حکومت و بی عدالتی آغاز می شود؛ پس از این، کنش مسلحانه هدفش را مشخص تر و معطوف به برقراری قوانین اسلام و یا نابودی امپریالیسم می کند. پیش از آغاز دهه ۱۳۶۰، مفهوم انقلاب در ادبیات علمی در میدان معنایی قوانین اسلامی و امپریالیسم ستیزی اسلام گرایان و مارکسیست ها بود؛ با این تفاوت که اسلام گرایان خود را در پیوستگی با انقلاب خواهی پیامبر و امامان شیعه مشاهده می کردند و انقلاب را در بهمنی با امر قدیم اسلامی می دانستند، یعنی باید بر هر امر قدیم غیر اسلامی و هر امر جدیدی چیره شد. اما مارکسیست ها، انقلاب را یکسره از قدیم کسته و در بهمنی با آن یافتند. نزد آنان انقلاب دال بر تحقق آرمان ایدئولوژیک شان بود که می بایست بر هر امر قدیم و جدید غیر مارکسیستی و نامهربان با آن آرمان غلبه کند. با آغاز دهه ۱۳۶۰ این جدال معنایی و سیاسی تداوم می یابد، با این تفاوت که اسلام گرایان با هجوم به سوی ایران باستان (دوره ساسانیان) و مشروطه، پیش انیش بر بهمنی معنای انقلاب با امر قدیم و ضرورت تداوم آن در دوره جدید تاکید می ورزند. با اصل قرار گرفتن امر قدیم و عناصری چون قرآن، اسلام، امت، عوام مسلمان، بومی بودن و واقعه کربلا در ساختار آن، معنای انقلاب در میانه و پایان دهه ۱۳۶۰ توانست تمامی تاریخ ایران - باستان، دوره اسلامی و تجدد را در برگیرد و تبیل به معیاری از برای داوری گذشته شود. این نشان می دهد که معنای اسلام گرایان از انقلاب توانست از یک سو با اخذ مضامین مارکسیستی چون عدالت (برابری) و امپریالیسم ستیزی، بر معنای مارکسیستی و سوسیالیستی از انقلاب چیره شود و در این جدال معنایی - که نمایانگر جدالی بهمنی میان امور نامهربان بود - به پیروزی دست یابد.

این امر به لحاظ بهمنی نیز در تاریخ مفهوم انقلاب قابل مشاهده است؛ در قلمرو سیاسی و اجتماعی نیز، مفهوم انقلاب تا پایان دهه ۱۳۶۰ توانست معنای اسلام گرایان خود را حاکم کند؛ و این مهم بر اساس شواهد یاد شده به دو طریق رخ داد؛ از یک سو معنای اسلام گرایان از انقلاب پس از تصویب قانون اساسی، نهادیایی چون مجلس شورای اسلامی و سازمان های نظامی را فرگرفت و پس به قلمرو های دیگر اجتماعی مانند نهاد های علمی و آموزشی - مانند تأسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی

(۱۳۶۳) - نیز وارد شده. از سویی دیگر، معانی دیگری از انقلاب که دلالت بر بهرمانی با امور جدیدی چون پیشرفت و توسعه بر اساس اسلام بودند، کنار گذاشته شدند اما آنچه دلالت مای ضد بورژوازی و ضد سرمایه داری انقلاب را از آن خود کردند.

سرانجام می توان گفت که مفهوم انقلاب به عنوان مفهومی بنیادین در ادبیات نعلیسی دهه ۱۳۶۰، واجد جدالی معنایی و تاریخی در نایشامه با بود؛ در این جدال برخی از معانی که قلمرو محدودی را در بر می گرفتند، از میان رفتند و یا د معانی ای که برای نمونه به کنش روحانیون و عامه مردم تاکید می کردند و توانستند قلمرو گسترده تری را در نایه های اجتماعی و تاریخی فتح کنند، استحاله یافتند. نایشامه نویسی انقلابی دهه ۱۳۶۰ اگرچه انقلاب را موضوع نایشامه قرار می دهد، اما به این امر محدود نمی ماند بلکه به لحاظ ایدئولوژیک و در این جدال بهرمانی امور ناهمزمان در تلاش بود تا انقلاب را از برای چیرگی بر قلمرو خصوصی و عمومی تداوم بخشد.

پی نوشت

¹. Reinhart Koselleck

². Hermann L bbe

³. Onomastik

⁴. Semantik

⁵. Das Bedeutete

⁶. Diachronie und Synchronie: Gleichzeitigkeit des Ungleichen

⁷. Die soziale Reichweite

⁸. Konvergenz

⁹. Revolution برآمده از زبان لاتین است که دلالت بر «تغییر و جابجاشدن یک شیء و حرکتی که به مبداء خود بازمی گردد، ایفای می شود. این واژه اصلاً در باب اجرام سماوی به کار بسته می شود

و در کار بست علمی مراد اصلی لاتینی خود را که دلالت بر حرکت دورانی منظم و قانونمند ستارگان بود، نگه داشت» (پنجعلی پور و نجف زاده، ۱۴۰۳، ۸)؛ از نظر آرنست (۱۹۶۳/۱۳۸۱)،

Revolution نخستین بار در قرن هفدهم به عنوان اصطلاحی سیاسی بکار رفت؛ در ۱۶۰۰ در انگلستان، پس از سرنگونی پارلمان مدافع کرامول و «بازگشت رژیم پادشاهی» (آرنت، ۱۳۸۱، ۵۸-۵۹).

۱۰. پیش از ولایت، بهرادر فرامانی (۱۳۴۷) در نیاشته کوچ با اهمیت دادن به اعتراضات کارگری بر ضد سرمایه داری نشان می دهد که اعتصاب و اعتراض می تواند از عناصر انقلاب بر ضد سرمایه دار و دولت هستند.

۱۱. محمود دولت آبادی (۱۳۶۱) در نیاشته مقنوس در دفاع از عملیات مسلحانه چریک های متاثر از اندیشه امیر پرویز پویان - از بنیان گذاران سازمان چریک های فدایی خلق -، نشان می دهد که مقاومت چریک ها و بجاری دیگر افراد با آنان موجب زوال ساواک و در نهایت پیروزی مردم بر نظام پادشاهی می شود.

۱۲. تاجرخش فانیان (۱۳۶۱) در نیاشته آسب (۱۳۶۰) نشان می دهد که با وقوع انقلابی که شعارش الله اکبر است و برآمدن دولتی که «طرفدار رعیت» است، رعیت می تواند اربابان ظالم خود را نزد کتیه و دادگاه برنده پس انقلاب اسلامی و چریکی رعیت بر اربابان هم به معنای تفوق قشری بر قشر دیگر و هم چریکی مظلوم بر ذات شراست.

۱۳. برای آگاهی از جزئیات این قانون که در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۲۸ مصوب شد، نگاه کنید به:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>

۱۴. در ماده سوم از این قانون آمده است که:

«ماده ۳ - کلیه اعتبارات و امکاناتی که از طرف سازمان های دولتی و غیردولتی و افراد در اختیار سازمان مذکور - سازمان بسیج ملی (مستضعفین) - قرار گرفته در اختیار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار می گیرد» (rc.majlis.ir, 1404).

۱۵. حسین مختاری (۱۳۶۰) در نیاشته وقعه مکه، علاوه بر برتری دادن قوانین اسلام نسبت به اراده شاه و تجددگرایی نشان می دهد که انقلاب یعنی وحدت مردم با روحانیت و ضدیت با دولت پادشاهی و بیگانه.

۱۶. بنی صدر و جبهه ملی ایران پسوند «انحراف» را به مفهوم انقلاب می افزایند؛ در بیانیه جبهه ملی ایران به مناسبت سوین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، انقلاب به معنای «مبارزات آزادی خواهی و ملی [...] ملت علیه سیداکری و ظلم» تعریف می شود که سرانجام باید «استبداد داخلی و استعمار خارجی» را از میان بردارد (بیانیه تحلیلی - انتقادی جبهه ملی ایران، ۱۳۹۷).

۱۷. برای آگاهی از محکات احضای حزب توده نگاه کنید به: (علی بابایی، ۱۳۸۸، ۵۸۳-۵۰۰).

۱۸. «نامه ای که به قلم حج اسلام سید علی خامنه ای و اکبر ثانی رفغانی نوشته شده بود، آمده است: «الکون به فضل الهی نمادهای جمهوری اسلامی تثبیت شده [...] و آگاهی مردم حزب الله توطئه های ضد انقلاب داخلی و استبداد جهانی را بی اثر و کم خطر نموده است. لذا احساس می شود که وجود حزب، دیگر آن منافع و فواید آغاز کار را نداشته، و بالعکس، ممکن است [...] موجب خدشه در وحدت

و انجام ملت گرد [۱۰۰]. لذا شورای مرکزی حزب [۱۰۰] به این نتیجه رسید که مصلحت کنونی انقلاب در آن است که "حزب جمهوری اسلامی" تعطیل و فعالیت های آن به کلی متوقف گردد.»
برای آگاهی از متن کامل نامه نگاه کنید به:

- <https://psri.ir/?id=7ftmtgfp>

¹ . <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=1&y=1368&m=3&page=2>

منابع فارسی

- آخوندزاده، میرزا فاضل (۱۳۹۵). *کتوبات کامل الدوله و ملکیات آن*. به اهتمام علی اصغر خداداد. باشگاه ادبیات.
- آرنت، هانا (۱۳۸۱). *انقلاب*. ترجمه عزت الله فولاد (چاپ سوم). انتشارات خوارزمی.
- ابوالحسن، بنی صدر (۱۳۶۰). *خیانت به امید*. انتشارات انقلاب اسلامی.
- استاد محمد، محمود (۱۳۹۶). *وقایع امپراتور شهرافروس*. نشر چشمه.
- انبهارات رادویو «مجاهد» درباره معلم شهید شریعتی و پویندگان راه معلم (۱۳۶۴).
- امیرنفر، شایق (۱۳۶۴). *دردمندان کلمه شیطانی*، امیرکبیر.
- امیرمعزی (۱۳۶۲). *دیوان کامل معزی*. تصحیح ناصر میری. نظر مرزبان.
- بازرگان، مهدی (۱۳۹۱). *انقلاب اسلامی ایران (مجموعه آثار ۲۴)*. بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان.
- بنیاد تحلیلی - استادی جمهوری ایران (۱۳۹۷). *کمیته انتشارات جمهوری ایران*.
- پلوتک، هواس (۱۳۶۷). *واحدان*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز هنرهای نمایشی، دفتر تهیه و تدوین و تولید متون نمایشی.
- پنجعلی پور کارودی، مهدی؛ نجف زاده، رضا (۱۴۰۳). *تاریخ تحول مفهومی "انقلاب"*: از اسطوره تا مدرنیته سیاسی. *جستارهای سیاسی معاصر*، ۱۵ (۲)، ۷-۳۱.

<https://doi.org/10.30465/CPS.2024.48841.3389>

- پورغلا محسن، مرجان؛ حیدری، محمد رضا (۱۳۹۷). تحلیل جریان های غالب تاتر انقلابی در ایران با تکیه بر گفتار های فکری، فلسفی مؤثر در سال های پیش از انقلاب.
- تاتر و انقلاب: مجموعه مقالات سمینار علمی پژوهشی بررسی تاتر ایران پس از انقلاب اسلامی، گردآوری: مهدی حامد سقاییان. انتشارات نلش. ۱۰۹-۱۲۴.
- جعفری، مجید (۱۳۶۶). تراژدی کسری، نشر جهاد دانشگاهی.
- حیثمائی، نورالد (۱۳۶۹). خرداد خونین، کوهر شاد؛ نمایشنامه در چهار پرده. بهارستان.
- خمینی، روح الله (۱۳۹۲). تحریر الوسیله (جلد ۲) (چاپ چهارم). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹ الف). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها) (جلد پنجم) (چاپ پنجم). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- خمینی، روح الله (۱۳۸۹ ب). صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی (س) (بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها) (جلد بیست و یکم) (چاپ پنجم). مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- درویش نژاد، علیرضا (۱۳۶۸). نذر آفر. انتشارات نلش.
- دجندا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه (جلد سوم). زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی (چاپ دوم از دوره جدید). مؤسسه و انتشارات دانشگاه تهران.
- دولت آبادی، محمود (۱۳۶۱). بختوس: یک نمایشنامه برای خواندن. نشر نو.
- رادی، اکبر (۱۳۸۸). آهسته با گل سرخ. روی صحنه آملی (جلد سوم، دهم ۶۰) (چاپ دوم). نشر قطره.
- سوزنی سمرقندی (۱۳۳۸). دیوان حکیم سوزنی سمرقندی. تصحیح دکتر ناصرالدین شاه حسینی. مؤسسه چاپ و انتشارات امیرکبیر.
- شریعتی، علی (۱۳۹۴). حسین وارث آدم (مجموعه آثار ۱۹). بنیاد فرهنگی دکتر علی شریعتی.
- طالبی، فرامرز (۱۳۵۸). نمایشنامه های انقلاب. نشر بیداران.
- طبری، احسان (۱۳۸۶). نوشته های فلسفی و اجتماعی (جلد دوم) (چاپ سوم). انتشارات حزب توده ایران.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۴۶). اخلاق ناصری. تصحیح ادیب تهرانی. سازمان انتشارات جاویدان.

- غنّی، محمدضابن ابوالقاسم (۱۳۸۶). نایشنامه‌های میزادۀ غنّی همراه با تحلیل آثار نایشی، بررسی توانمندی غنّی در آفرینش نایشنامه‌ها و اثری نشرشده از او. به کوشش علی میرانصاری. انتشارات طوری.
- علی بابایی، داود (۱۳۸۸). بیست و پنج سال در ایران چه گذشت؟ (از بازگشت تا خاتمی) (جلد نهم). انتشارات امید فردا.
- فارسی، جلال الدین (۱۳۶۱). انقلاب و ضد انقلاب. حزب جمهوری اسلامی.
- فرانفی، بهزاد (۲۵۳۷). کوچ. باران.
- قائم مقام فرانفی (?). منشآت قائم مقام. کرد آورنده شاهزاده محمدالدوله حاج فرهاد میرزا. کتابفروشی علمیة اسلامیة تهران.
- فرخنج، عباس (۱۳۵۸). حر. دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فکری ارشاد، مؤید الممالک (۱۳۷۹). حکام قدیم و حکام جدید: سه تیر از مؤید الممالک فکری ارشاد. به کوشش حمید احمد. انتشارات نیلا.
- فغانیان، تاجبخش (۱۳۶۰). آب. سوره؛ مجموعه نایشنامه (دقتر ششم). واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- قادی، نصرالله (۱۳۶۶). وقت پیلج. سوره؛ مجموعه نایشنامه (دقتر هشتم). واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- متین، اقلین (۱۳۹۸). کنه‌راسون: تاریخ جنبش دانشجویان ایرانی در خارج از کشور ۵۷-۱۳۳۲. ترجمه ارسلو آذری. انتشارات شیراز کتاب ما.
- مجموعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵) (چاپ چهارم، ویرایش دوم). معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
- محمدین، رجب (۱۳۵۹). جدالی دیگر. نشر تکیه دولت.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ زارع، نیلوفر (۱۳۹۷). بازتاب مفهوم انقلاب ۱۳۵۷ در نایشنامه آهسته با گل سرخ با تکیه بر آرای میشل فوکو. منتشر و انقلاب: مجموعه مقالات سمینار علمی پژوهشی بررسی متاثر ایران پس از انقلاب اسلامی، کرد آوری: مهدی حامد ستیایان. انتشارات نملیش. ۱۰-۲۸.
- مختاری، حسین (۱۳۶۰). واقعیت‌ها. جهاد دانشگاهی.
- مخلفان، محسن (۱۳۶۰). شیخ شهید (نمایشی از نهضت مشروطه). واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.
- مدرسی یزدی، مهدی (۱۳۶۱). آسپان. سوره؛ مجموعه نایشنامه (دقتر ششم). واحد انتشارات حوزه اندیشه و هنر اسلامی.

- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ فارسی معین (جلد اول) (چاپ چهارم). انتشارات ادنا.
- منتظری، حسینی (۱۳۷۹). بخشی از خاطرات فقیه و مرجع عالیقدر حضرت آیت الله منتظری.
- نوزانی، بهرام (۱۳۸۱). گاه شمار سیاست خارجی ایران: از دی ماه ۱۳۵۶ تا مرداد ماه ۱۳۶۲. انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هاشمی، صادق (۱۳۵۷). ولادت. انتشارات نگاه.

وبسایت

- دیدار نخست وزیر سوریه با مقام معظم رهبری جهت عرض تسلیت (۱۳۶۸). پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری. برگرفته در اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=1&y=1368&m=3&page=2>
- رضوانی، حسین (۱۳۹۶). موافقت امام با تعطیلی حزب جمهوری اسلامی. موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی. برگرفته در اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://psri.ir/?id=7&tmgtlp>
- قانون ادغام سازمان بسیج ملی (متصفین) در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۹). مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. برگرفته در اردیبهشت ۱۴۰۴ از <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>

منابع لاتین

- Abolhasan, Banisadr (1988). *Betrayal of Hope (Khianat be Omid)*. Islamic Revolution Publications (In Persian).
- Akhundzadeh, Mirza Fathali (2016). *Kamal al-Dawlah's writings and their appendices (Maktoubat-e-Kamalodowle va Molhaghat-e- An)*. edited by Ali Asghar Haqdar: Literature Club (In Persian)
- Ali Babaei, Davoud (2009). *What happened in Iran in the last twenty-five years? (From Bazargan to Khatami) (Bist-o-panj sal dar Iran che gozasht? Az Bazargan ta Khatami) (Volume 9)*. Omid Farda Publications (In Persian)
- Amirfajr, Misagh (1985). *The Sufferers. Satanic Comedy (Dardmandan. Komedi-e- Sheitani)*. Amirkabir (In Persian)

-
- Amir Moezzi (1983). *Moezzi's Poems Collection (Divan-e- Ashaar-e- Moezzi)*. edited by Naser Haieri. Nazar Marzban (In Persin).
 - *Analytical-Critical Statement of the National Front of Iran (Baianie Tahlili- Enteghadi-e- Jebhe- ie-Meli-e- Iran)* (2018). Publications Committee of the National Front of Iran (In Persin).
 - Arendt, Hannah (2002). *Revolution (Enghelab)*. (3rd ed). Ezatollah Fouladvand Trans. Kharazmi Publications (Original work published 1963).
 - Bazargan, Mehdi (2012). *Islamic Revolution of Iran (3) (Enghelab-e- Eslami-e- Iran)*. Collection of Works (24). Engineer Mehdi Bazargan Cultural Foundation (In Persin).
 - *Collection of the Constitution of the Islamic Republic of Iran (Majmoueh Qanoun-e- Asasi-e- Jomhouri-e- Eslami-e- Iran)* (2016). fourth edition (second edition). Deputy for Compilation, Revision and Publication of Laws and Regulations (In Persian).
 - Darvishnejad, Alireza (1989). *Naz Aghoz*. Namayesh Publications (In Persian).
 - Dehkhoda, Ali Akbar (1998). *Dictionary (Loghatnameh)* (Volume 3). Under the supervision of Mohammad Moein and Seyyed Jafar Shahidi (second edition of the new edition). Tehran University Institute and Publications (In Persian).
 - Dowlatabadi, Mahmoud (1982). *Phoenix: A Play to Read (Qoqnous: Yek Namayshnameh baraie Khandan)*. Nashre No (In Persian).
 - Eshghi, Mohammad Reza Ibn Abul-Qasem (2007). *Mirzadeh Eshghi's plays with an analysis of his plays, a study of Eshghi's ability in creating plays, and an unpublished work by him (Namayeshnameha-ye- Mirzade-ye-Eshghi hamrah ba Thlil-e- Asar-e- Namayehi, barresi-e- tavanmandi-e- Eshghi dar afarinesh-e- Namayeshnameha va asari az ou)*. Edited by Ali Miransari. Tahouri Publications (In Persian).
 - Farahani, Behzad (1978). *Migration (Kouch)*. Baran (In Persian).
 - Farahbakhsh, Abbas (1979). *Hor*. Islamic Culture Publishing House (In Persian).
 - Farsi, Jalal al-Din (1982). *Revolution and Counter-Revolution (Enghelab va zed-e-Enghelab)*. Islamic Republic Party (In Persian).
 - Fanaean, Tajbakhsh (1988). *Water (Aab). Soureh; Play Collection (Third Office)*. Publications Unit of the Islamic Thought and Art Department (In Persian).
 - Fekri-Ershad, Moayed-ol-Mamalek (1990). *Old Rulers and New Rulers: Three Theaters by Moayed-ol-Mamalek Fikri-Ershad (Hokam-e- Jadid va Hokam-e- Qadim: se Theatr an Moaye-ol-Mamalek-e- Fekri-Ershad)*. Edited by Hamid Amjad. Nila Publications (In Persian).
 - Ghaderi, Nasrollah (1987). *Conflict time (Vaqt-e- Pichapich). Soureh; Play Collection (8th Office)*. Publications Unit of the Islamic Thought and Art Department (In Persian).
 - Hatefi, Sadegh (1978). *Valadkoshte*. Negah Publications (In Persian).
 - Havas, Polouk (1988). *Dekhdaran*. Ministry of Culture and Islamic Guidance, Center for Performing Arts, Office for the Preparation, Compilation and Production of Dramatic Texts (In Persian).
 - Hosseinkhani, Noorollah (1989). *Bloody June (Khordad-e- Khounin). Goharshad; A play in four acts*, Baharestan (In Persin).
 - Ifversen, Jan (2011). About Key Concepts and How to Study Them. *Contributions to the History of Concepts*, Summer, 6 (1), 65-88.
 - Jafari, Majid (1987). *The Tragedy of Kasra (Teragedi-e- Kasra)*. Jahad Daneshgahi Publications (In Persin).
 - Khomeini, Ruhollah (2010 A). *Imam's Book: Collection of Imam Khomeini's, Works (Statements, Messages, Interviews, Rulings, Religious Permissions, and Letters) (Sahife-ye-Emam: Majmoue*

- Asar-e- Emam Khomeini, Baianat, Mosabehe-ha, Ahkam, Ejazat-e-Sharei va Name-ha) (Vol. 5 Fifth ed.). Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian).
- Khomeini, Ruhollah (2010 B). *Imam's Book: Collection of Imam Khomeini's, Works (Statements, Messages, Interviews, Rulings, Religious Permissions, and Letters) (Sahife-ye-Emam: Majmoue Asar-e- Emam Khomeini, Baianat, Mosabehe-ha, Ahkam, Ejazat-e-Sharei va Name-ha) (Vol. 21 Fifth ed.)*, Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian).
- Khomeini, Ruhollah (2013). *Tahrir al-Wasilah (Vol. 2 Fourth ed)*. Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works (In Persian).
- Koselleck, Reinhart, Ouo Brunner und Werner Conze (Herausgegeben) (1974). *Geschichtliche Grundbegriffe: Historisches Lexikon zur politisch-sozialen Sprache in Deutschland (Band 1)*. Ernst Klett Verlag.
- Koselleck, Reinhart (2006). *Begriffsgeschichten: Studien zur Semantik und Pragmatik der politischen und sozialen Sprache*. Suhrkamp Verlag.
- Lübke, Hermann (1975). Begriffsgeschichte als dialektischer Prozeß. *Archiv für Begriffsgeschichte (Vol. 19)*. Felix Meiner Verlag. Ss: 8- 15.
- Mahmoudi Bakhtiari, Behrouz; Zare, Niloufar (2018). Reflection of the concept of the 1979 revolution in the play Slow with Roses based on the ideas of Michel Foucault. *Theater and Revolution: Collection of articles from the scientific research seminar on the study of Iranian theater after the Islamic Revolution (Theatet va Enghelab: Majmoue maghalat-e seminar-e elmi-pajouheshi-e berresi-e theater-e Iran-e pas az enghelab)*, compiled by Mehdi Hamed Saghaeian. Namayesh Publications. 10-28. (In Persian)
- Makhmalbaf, Mohsen (1988). *Martyr Sheikh (A play on the legitimate movement) (Sheikh-e-Shahid; Yek Namayeshnameh darbare-ye- Nehzateh Mashtouteh)*. Publications of the Islamic Thought and Art Department (In Persian).
- Matin, Afshin (2019). *Iranian student opposition to the Shah (Tarikh-e- Jonbesh-e- Daneshjouian-e- irani dar khareh az Keshvar)*. Arastou Azari Trans. . Shiraze-ye- Ketab-e- Ma Publications (Original work published 2002).
- Modarresi Yazdi, Mehdi (1982). *Millworker (Asyaban). Sourah; Play Collection (6th Office)*. Publications of the Islamic Thought and Art Department (In Persian).
- Moein, Mohammad (2007). *Moein Persian Dictionary (Farhang-e- Farsi-e- Moein) (Vol. 1 Fourth ed.)*. Edna Publications (In Persian).
- Mohammadein, Rajab (1979). *Another Controversy (Jedali diar)*. Tekye Dowlat Publications.
- Mokhtari, Hossein (1988). *The Tobacco Event (Vaqe'ie Tanbakou)*. Jahad Daneshgahi (In Persian).
- Montazeri, Hossein Ali (1990). *Part of the memoirs of the jurist and eminent authority (Bakhshi az Khaterat-e- Faqih va Marjae-e- Aalighadr Hazrat-e- Ayatollah Montazeri)*. Ayatollah Montazeri. (In Persin).
- Nouzani, Bahram (2002). *Timeline of Iran's Foreign Policy: From January 1977 to August 1988 (Gahshomar-e- Siasat-e- khareji-e- Iran: az Dey mah-e 1356 ta Mordad mah-e 1367)*. Islamic Revolution Documents Center Publications (In Persian).
- Ostadmohammad, Mahmoud (2017). *Decianus of the Emperor of Ephesus (Daghianous Emperatour-e- shahr-e- Ephesus)*. Cheshme Publications (In Persian).
- Panjalipour Kakroudi, Mehdi, Najafzadeh, Reza (2023). *The History of the Conceptual Evolution of Revolution: From Aristotle to Political Modernity (Tarikh-e- Thavol-e-Mafhoumi-e- Enghelab*

az Arastu ta Modernite-ye- Siasi). *Contemporary Political Essays*. 9 (2). 7-31 (In Persian).

<https://doi.org/10.30465/CPS.2024.48841.3389>

- Pourgholamhossein, Marjan; Mirheidari, Mohammad Reza (2018). Analysis of the dominant trends in revolutionary theater in Iran based on influential intellectual and philosophical discourses in the years before the revolution. *Theater and Revolution: Collection of articles from the scientific research seminar on the study of Iranian theater after the Islamic Revolution (Theatet va Enghelab: Majmoue maghalat-e seminar-e elmi-pajouheshi-e berresi-e theater-e Iran-e pas az enghelab)*, compiled by: Mehdi Hamed Saghaian. Namag Publications. 109-124.
- QaemMaqam Farahani (?). *Writings and Letters of QaemMaqam (Monsha 'at-e- QaemMaqam)*. Compiled by Prince Motamed-al-Dawlah Haj Farhad Mirza. Tehran Islamic Theological Bookstore (In Persian).
- Radi, Akbar (2009). Slowly with the Red Rose. *On the Blue Stage (Ahesteh ba Gol-e-Sorkh. Rou-ye Sahne-ye Abi) (Vol. 3, 1960s) (Second ed.)*. Qatreh Publications (In Persian).
- Shariati, Ali (2015). *Hussein, the heir of Adam (Hossein, Wares-e- Adam) (Collection of Works 19)*. Dr. Ali Shariati Cultural Foundation (In Persian).
- Souzani Samarqandani (1959). *Collection of poems by Souzani Samarqandani (Divan-e-Ashaar-e- Souzani-e- Samarqandi)*. Edited by Dr. Naser al-Din Shahhosseini. Amir Kabir Printing and Publishing Institute (In Persian).
- *Statements from Radio "Mujahid" about the martyred teacher Shariati and the followers of the teacher's way (Ezharat-e- Radio Mojahed darbarete Moalem-e- shahid Shariati va pouiandegan-e- rah-e- Moalem) (1985)*. (In Persian).
- Tabari, Ehsan (2007). *Philosophical and Social Writings (Neveshteha-ye- Falsafi va Ejtemei) (Vol. 2)*. Mass Party of Iran Publications (In Persian).
- Talebi, Faramarz (1979). *Plays of Revolution (Namayeshnameha-ye- Enghelab)*. Bidaran Publications (In Persian).
- Tousi, Khajeh Nasir al-Din (1967). *Nasseri Ethics (Akhlagh-e-Nasseri)*. Edited by Adib Tehrani. Javidan Publishing Organization (In Persian).

Website

- *Law on the Integration of the National Basij Organization (Mobilization of the Oppressed) into the Islamic Revolutionary Guard Corps (Qanoun-e edghame Basij-e-meli "Mostazafin" dar Sepah-e pasdaran-e enghelab-e eslami) (1980)*. Islamic Parliament Research Center. Retrieved May 2025 from <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/90112>.
- Rezvani, Hossein (2017). *Imam's Agreement with the Closure of the Islamic Republican Party (Movafeghat-e Emam ba ta'etili-e hezb-e Jomhouri-e eslami)*. Political Studies and Research Institute. Retrieved May 2025 from <https://psri.ir/?id=7ltmtglp>.
- *Visit of the Syrian Prime Minister with the Supreme Leader to Offer Condolences (Didar-e nokhost vazir-e Sour-i-e ba magham-e mo 'azam-e rahbari jahat-e arz-e tasliat) (1989)*. The Office of the Supreme Leader. Retrieved May 2025 from <https://www.leader.ir/fa/archive?topic=1&y=1368&m=3&page=2>.

آماده انتشار فزدهای زیبا